

فکر
دوم و یکم ون دی داد

www.ketab.ir

دکتر هوشنگ طالع

سروشنامه: طالع ، هوشنگ، ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآورنده: فرگرد دوم و یکم ون دی داد (پیش داد)/دکتر هوشنگ طالع مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۹۹ مشخصات ظاهری: ۱۵۶ رو به شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۷۶-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیبا	رده بندی کنگره: PIR ۱۲۷۷ رده بندی دیویی: ۲۹۵/۸۲ شماره کتاب شناسی ملی: ۷۵۵۸۹۷۳ موضوع: Avesta- Criticism and interpretation موضوع: اوستا موضوع: Avesta
---	--



کتابخانه ملی ایران

فرگرد دوم و یکم ون دی داد (پیش داد)

دکتر هوشنگ طالع

چاپ نخست - اردیبهشت ۱۴۰۰

شمارگان: ۴۰۰

طرح روی جلد و صفحه آرایي: مریم السادات موسویان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۷۶-۲

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

حق چاپ برای مولف محفوظ است

نشانی: لنگرود - خیابان شهید جمشیدی - بن بست آرمان - شماره ۲۴۵

تلفن و نمابر: ۵۲۲۳۹۴۴ - ۰۱۴۲

samarghandpub@yahoo.com

فهرست نوشته‌ها

۵	پیش‌گفتار :
۵	دیدنی نو بر علم تاریخ
۸	دیدگاهی نوین بر رویدادها
۱۱	درآمد
۱۳	گفتار یکم : اوستا
۱۴	بخش یکم : اوستای کهن
۲۳	بخش دوم : اوستای نو
۲۶	بخش سوم : گاهان
۲۹	بخش چهارم : یسنه
۳۲	بخش پنجم : یسنت‌ها
۳۴	یکم : آبان‌یشت
۴۳	دوم : تیر یشت
۴۴	سوم : کوثر یشت
۴۸	چهارم : مهر یشت
۵۲	پنجم : رشن یشت
۵۷	ششم : رشن یشت
۶۰	هفتم : بهرام یشت
۶۱	هشتم : رام یشت
۶۷	نهم : ارت یشت

- ۷۰ ————— دهم : استادیشیت
- ۷۱ ————— یازدهم : زامیادیشیت
- ۸۲ ————— بخش ششم : ویسپرد
- ۸۳ ————— بخش هفتم : خرده اوستا
- ۸۴ ————— بخش هشتم : ون دی داد
- ۹۵ ————— گفتار دوم : ایران کهن
- ۹۶ ————— بخش یکم - گذر از اسطوره به تاریخ
- ۱۰۲ ————— بخش دوم - بخش بندی تاریخ ایران
- ۱۰۴ ————— بخش سوم - هنگام شناسی تاریخ ایران که
- ۱۰۷ ————— سه هزاره‌ی چهارم
- ۱۱۹ ————— گفتار سوم : فراگشت تاریخ تمدن و فرهنگ ایران
- ۱۲۰ ————— بخش یکم : هزاره‌ی یکم
- ۱۲۳ ————— بخش دوم : هزاره‌ی دوم
- ۱۲۸ ————— ایرگان و ورگان
- ۱۳۰ ————— بخش سوم : هزاره‌های سوم و چهارم (کوچ)
- ۱۴۰ ————— کنوسپینتا
- ۱۴۵ ————— نوروز
- ۱۴۷ ————— پی نوشت‌ها
- ۱۵۵ ————— کتاب نامه

پیش گفتار دیدنی نو، بر علم تاریخ

موری بر تنه‌ی درختی لانه داشت. آوندی از آن درخت، چو نان جویباری از کنار آن لانه می‌گذشت و همواره بر مور، زمزمه می‌کرد.
روزی آن مور به بی‌جویی برخاست و با سنگینی خود، روی به پایین نهاد. همراه آوند برفت، تا به ریشه‌های درخت رسید. همراه آن ریشه‌ها، ژرفای زمین را کلوید و با دانش بسیار به لانه بازگشت. او می‌دانست که آوند، آن همه آب و خوراک را چگونه از دل خاک برمی‌گیرد.
مور دانشمند، روزی شاهین تیربینی را از دانش خود باخبر ساخت.
شاهین گفت: راست است، چنین می‌آورند؛ اما می‌دانی به کجا می‌برند؟
و میدانی اگر برای آن «بردن» نبود، هرگز نمی‌آوردند؟

دکتر محمدرضا عاملی تهرانی (آزیر) «ناسیونالیسم چون یک علم

بیش‌تر مردم، درس تاریخ را شرح رخ داده‌های گذشته می‌دانند. با این برداشت، تاریخ به صورت درسی زاید و حدیثی بر مردگان جلوه‌گر می‌شود. گاه نیز به طعنه می‌گویند: تاریخ مربوط به گذشته‌هاست، بهتر است از مسایل امروز سخن بگوییم.
باید دانست که تاریخ، تنها شرح حوادث گذشته نیست؛ بلکه تاریخ، علمی است برای توجیه هستی‌ها و رویدادهای امروز، در راستای شناخت سیمای مطلوب جهان فردا.

با این نگرش، علم تاریخ به معنای نوین آن، علمی است که استعدادهای یک ملت

را که واقعیت‌های جهان فردا خواهند بود، به ما می‌شناساند.

درست است که در بررسی‌های تاریخی، سروکارمان با گذشته است؛ اما این بدن منظور نیست که گذشته را تنها در قالب گذشته بشناسیم.

پی‌جویی درباره‌ی علل موجودیت‌های کنونی، گاه ما را به زمان‌های نزدیک و گاه، به زمان‌های بسیار دور می‌کشانند. برآیند همین بررسی‌هاست که استعدادهای یک ملت را برای حرکت به سوی آینده نشان می‌دهد و تاثیر سامان‌های گوناگون فکری را بر پیکره‌ی ملت‌ها، آشکار می‌کند.

سرانجام همین بررسی‌هاست که خمیر مایه‌هایی را که در آینده قابل به کارگیری خواهند بود، به ما می‌نمایاند. باید بدانیم که علم تاریخ و بررسی‌های تاریخی است که اراده‌ی ملت‌ها را در آینده‌ی آن‌ها، موثر می‌سازد؛ زیرا:

واقعیت‌های جهان فردا، در قالب استعدادهای جامعه‌ی

امروز وجود دارد

مردم می‌توانند با توجه به استعدادهای موجود، به پیروشی جنبه‌ی ویژه‌ای از آن پرداخته و جامعه را به سوی گزینه‌ای که استعداد آن را دارد، به حرکت آورند.

البته این سخن، بدان معنا نیست که اجتماع می‌تواند هر تحولی را که دل‌خواه اوست، از قوه به فعل درآورد؛ بلکه جامعه، تنها توان پیاده کردن برنامه‌هایی را دارد که موجبات آن در نهاد جامعه، وجود داشته باشد.

در این برداشت از مساله، جامعه چونان شخصیتی است که می‌تواند، استعدادی را بر استعداد دیگری ترجیح داده و در این فرآیند، به آینده شکل ویژه‌ای ببخشد.

عامل گزینش نیز خود از پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی است؛ اما اثر آن، معطوف به آینده است. به گفته‌ی دیگر: اثری که گذشته و حال، بر آینده می‌گذارند، موجب پدید آمدن نیرویی می‌گردد که کشش آن بر زمان حال، احساس می‌شود.

هنگامی که ساختمانی برپاست، می‌توان تاریخ ساخت آن را در قالب شرحی از حوادث

گذشته، بررسی کرد. یعنی: می‌توان مشخص کرد که «پی» ساختمان در چه زمانی
کنده شده، چه زمانی دیوارهای آن را ساخته‌اند و چه زمانی، درهای آن را نصب
کرده‌اند و ...

اما ساختمانی که هنوز ساخته نشده است، با کشش خود، برنامه‌ی کار را نشان می‌دهد.
در اصطلاح می‌گویند: ساختمان به این شمار «آجر»، به این شمار «در» و ...، نیاز
دارد.

گذشته‌ها، تنها امروز را نساخته‌اند؛ بلکه فردا را نیز خواهند ساخت.
تاریخ به ما نشان می‌دهد که با چه استعدادی، امروز پدید آمده است و با استعدادهای
موجود، چگونه فردایی پدید خواهد آمد.

سرانجام، تاریخ به ما می‌نماید که کدام یک از حرکت‌هایی که امروز وجود دارد،
ناشی از کشش جهان فرداست.

خواسته‌های یک ملت، عبارت است از کشش‌هایی که جهان فردای آن ملت، بر
مردم امروز تحمیل می‌کند، تحمیلی که پذیر که امروز با هزاران وسیله، موجبات آن
را فراهم می‌سازیم.